



### عاشورا پناهگاه همه موحدین عالم است / بلای اعظم حسین برای هدایت امت

سیدالشهداء (ع) و عاشورای حضرت، آن پناهگاهی است که همه موحدین عالم، باید به آن پناه ببرند و این پناهگاه است که حتماً آنها را به مقصد می رساند.

سیدالشهداء (ع) و عاشورای حضرت، آن پناهگاهی است که همه موحدین عالم، باید به آن پناه ببرند و این پناهگاه است که حتماً آنها را به مقصد می رساند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: عاشورا با تمام مصائبی که دارد و با تمام اندوهی که بر دل شیعیان می گذارد اما مبین یک حقیقت است و آن حقیقت این است که تا روز قیامت جبهه بندی حق و باطل را مشخص می کند و هر فردی از رهگذر عاشورا می تواند صف بندی خود را با جبهه کفر مشخص کند.

بعد از نبی اکرم در امت اسلامی ظلمتی ایجاد شد که همه عالم را در حیرت و تردید، این فتنه، شیطنتی حساب شده و پیچیده بود. خلافت تبدیل به امپراطوری شد و آنچه در این امپراطوری نبود، خدا بود.

فتنه سقیفه، بزرگترین شیطنت و بت و پرستی تاریخ است. اما آن کسی که باید مقابل این بت بایستد، وسط این شعله برود و شعله را خاموش کند، سیدالشهدا علیه السلام است. آن کسی که این ظلمات را از تاریخ محو می کند و امواج فتنه را می شکند سید الشهداء (ع) است. اگر این فتنه عظیم از جامعه مؤمنین برداشته شده است، فقط به برکت سیدالشهدا علیه السلام است. آن حضرت برای هدایت جهان و بشریت این مصیبت و این بلای عظیم را به جان خرید.

آیت الله میرباقری در تفسیر این فراز از زیارت عاشورا که می فرماید: «أَنْ يُعْطِيَ يُمْصَايِي يَكْمُ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مَصَابًا يُمْصِيَّتَهُ»؛ اظهار می کند: آن روی سکه بلا، ثواب و رحمت است. بلای عقوبت و عذاب برای کافر است اما مؤمن اگر مبتلا می شود کفاره گناهانش یا ترفیع درجه برای اوست. امکاناتی که به مؤمن می دهند برای این است که با این امکانات به طرف خدا برود نه اینکه مال، فرزند، جان، آبرو، حجاب و بت او شوند؛ یعنی بنا بود با این آبرو به خدا برسد و اگر اینها حجاب انسان شدند خدای متعال با گرفتن این تعلقات و با بلا، انسان را سالک می کند. صابرين آنهايي هستند که در گرفته شدن نعمت، به خدا نزديک می شوند و می گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ یعنی با تعلق به حضرت حق و با این محبت برتر و عشق برتر، از محبت های کوچکتر عبور می کنند. معنای مصیبت؛ هم این است که چیزی که برنامه ریزی و هدف گیری شده، به هدف هم خورده است که بسیاری از آنها به خاطر اعمال خودمان است؛ «مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (شوری/۳۰)

باطن عاشورا، رحمت اکمل و اعظم است و جذباتی است که انسان را سالک و مقرب می کند. آنقدر این ابتلا، عظیم است که نه فقط ما، بلکه ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین هم در این وادی، سالکند و مراتبی از قربشان با بلای سیدالشهداء (ع) حاصل می شود

وی ادامه می دهد: ولی بلای معصوم (ع) این طور نیست. در آنجا فقط ترفیع درجه است و نیز این که می خواهند بار ما را بکشند. یعنی ما اگر بخواهیم به خدای متعال برسیم با این گناهان و با این تعلقات به شیطان و نفس و دنیا میسر نمی شود. سیدالشهداء (ع) این بار بلا را برداشتند که ما را در بلای خودشان بیاورند تا با بلای خودشان، ما هم سالک شویم و الا خودمان، سالک نمی شدیم. باطن عاشورا، رحمت اکمل و اعظم است و جذباتی است که انسان را سالک و مقرب می کند. آنقدر این ابتلا، عظیم است که نه فقط ما، بلکه ملائکه مقربین و انبیاء مرسلین هم در این وادی، سالکند و مراتبی از قربشان با بلای سیدالشهداء (ع) حاصل می شود؛ لذاست که خدای متعال به جبرئیل دستور می دهد روضه سیدالشهداء (ع) را در مواقع سخت برای حضرت نوح (ع) یا برای حضرت زکریا (ع) یا حضرت آدم (ع) و... بخوانند و آنها استقامت خود را با تعلق به سیدالشهداء (ع) پیدا کنند. یک روی بلای سیدالشهداء (ع)؛ بلای عظیم است و روی دیگر، ضیافت خاص خدای متعال و رحمت و محبتی است که از عاشورا ظهور و تجلی پیدا کرده و همه عارفان و اولیاء خدا و انبیاء، در منزلی از منازل سلوک خود به اینجا می رسند و باید از این وادی عبور کنند تا مقرب شوند.

آیت الله میرباقری معتقد است: اگر کسی وارد عاشورا شد و پا به وادی بلای سیدالشهداء(ع) گذاشت در ظرف خود، می تواند با بلای سیدالشهداء&zwnj; به مقام تحمل اعظم ابتلائات برسد. آنقدر این بلا، عظمت و جلالت دارد که همه مقامات با آن حاصل می شود؛ &laquo;لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ&raquo; این است که ما درخواست می کنیم: &laquo;أَنْ يُعْطِيَني يُمْصَايِي يَكُمُ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى مَصَابِئًا&raquo; یعنی ما هم می توانیم جزو کسانی بشویم که وارد عاشورا شدند و به ثواب اعظم ابتلائات برسیم و به بالاترین آن محبتیهایی که خدای متعال به اهل ابتلاء&zwnj; می کند دست پیدا کنیم.

این حرکت سیدالشهدا است که الی الابد فراغه تاریخ را به زیر می کشد و در نهایت به ظهور آخرین امام از سلاله امام حسین می انجامد. امام حسین مظاهر فرعون های این دنیا را در طول تاریخ نابود می کند و این نابودی تنها با تمسک به راه و روش آن حضرت ممکن است. تنها وجود سیدالشهداست که می تواند زمین را از وجود فراغه تاریخ پاک کند و آن را به دست ظهور آخرین منجی برساند.

اگر فجر به ظهور امام زمان تفسیر بشود، یکی از همان امکاناتی است که خدای متعال در مقابل شهادت به سیدالشهداء داده است فجر عالم که ظهور است، مزد سیدالشهداء است. کار سیدالشهداء به فجر عالم منتهی می شود و عالم را به ظهور می رساند و بساط این تفرعن جمع می شود

آیت الله میرباقری در این باره می گوید: خدای متعال سیدالشهداء را به نبی اکرم عطا کردند و داستان ایشان و نبی اکرم، داستان اسماعیل ذبیح الله و حضرت ابراهیم خلیل است. ایشان به میدان آمد برای اینکه این مدار را برگرداند. خدای متعال به پیغمبرش می فرماید که شما نگران نباشید. این مسیر در امت شما همان مسیر فراغه قبلی است؛ پس نتیجه هم همان نتایج است؛ یعنی در دنیا &laquo;قَصَبَ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوُطَ عَذَابٍ&raquo; است و در آخرت هم &laquo;وَجِئَ يَوْمَئِذٍ يَجْهَتُمُ&raquo; است. پیغمبر ما! عالم فقط همین امکانات ظاهری نیست. یک امکاناتی خدای متعال به شما داده و شما آن امکاناتی را ببینید که در خدمت شما است. این امکانات، در خدمت قیام سیدالشهداء(ع) است که یک نمونه آن در قرآن چنین بیان شده است &laquo;وَالْفَجْرُ وَ لَيَالٍ عَشْرٌ وَ الشَّفْعُ وَ الْوُثْرُ&raquo;؛ اگر فجر به ظهور امام زمان تفسیر بشود، یکی از همان امکاناتی است که خدای متعال در مقابل شهادت به سیدالشهداء داده است، ائمه ای که از نسل ایشان هستند کار عالم را می سازند و آخرین شان وجود مقدس امام زمان(ع) است. فجر عالم که ظهور است، مزد سیدالشهداء است. کار سیدالشهداء به فجر عالم منتهی می شود و عالم را به ظهور می رساند و بساط این تفرعن جمع می شود، خدای متعال می فرماید: ما با تازیانه عذاب، این فراغه را می زنیم؛ اما غیر از این، یک فتح و پیروزی دیگری نصیب سیدالشهداء و اصحاب و شیعیان ایشان می شود که در این آیات بیان می شود &laquo;يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي \* وَ ادْخُلِي جَنَّاتِي&raquo;(فجر/۲۷-۳۰).

وی ادامه می دهد: در این نگاه و در این تصویر و در این فضایی که قرآن مجسم می کند؛ سیدالشهداء صد درصد پیروزند. سیدالشهداء به میدان آمدند؛ این بساط فرعونیت و فساد و استکباری که در طول تاریخ بوده و در امت حضرت هم دوباره این بساط می خواهد شکل بگیرد را نابود کند. فرعونیت این امت، از تفرعن امم دیگر، خیلی سنگین تر است. یهود این امت، از یهود امت حضرت موسی(ع) خیلی بدترند. تفرعن همان فرهنگ اصالت دنیا است و اینکه معیار شرافت و حقارت، امکانات مادی است؛ و آنها می خواهند با این فرهنگ عالم را اداره کنند و حاکم و محکوم و ارباب و رعیت و سلطان و رعیت درست بکنند؛ البته با هر فرهنگی و هر ادبیاتی هم باشد ولی اساس، همین اساس است که می خواهند این فرهنگ اصل بودن دنیا و دنیاپرستی و برگرداندن همه شرافت ها به دنیا را بسط بدهند. از آن طرف حضرت هم می خواهند بگویند که شرافت، در بندگی خدا است و معیار، این است که انسان در این فضا، بندگی بکند و اصلاً خدای متعال این بساط را برای بندگی درست کرده است و همه باید به خدای متعال برسند؛ عده ای با شفاعت و دستگیری و فداکاری و عده ای هم به گونه دیگر. این داستان هدایت انسان به سوی خدا است. آن کسی که می خواهد مدار عالم را به مدار هدایت و به مدار نبوت نبی اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) برگرداند، سیدالشهداء است. در صدر و ذیل سوره فجر خدای متعال پیروزی سیدالشهداء را توضیح می دهد؛ بعد هم داستان تفرعن تاریخی و ریشه این فرعونیت و تدبیری که خدای متعال برای از بین بردن این جریان تفرعن و فرعونیت بیان می شود که در دنیا &laquo;إِنَّ رَبَّكَ لَيَالْمُرْصِدُ&raquo; و در آخرت &laquo;وَجِئَ يَوْمَئِذٍ يَجْهَتُمُ&raquo; است. در این نگاه جامع سیدالشهداء مطلقاً پیروز است.

آیت الله میرباقری اظهار می کند: این قضیه در سوره &laquo;كهف&raquo; از یک زاویه دیگری بحث کرده و می فرماید &laquo;إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَنْبَلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ إِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا&raquo;(كهف/۷-۸)؛ چنانچه شبیه این آیات در سوره فجر هم آمده است &laquo;كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًا&raquo;(فجر/۲۱) یعنی این

بساط، برای رشد انسان است تا به «أَحْسَنُ عَمَلًا» برسند و یک روز هم برچیده می شود؛ اما یک عده ای فرعونیت می کنند، نمی گذارند در مسیر صحیح پیش بروند. خدای متعال داستان در خصوص اصحاب کهف می فرماید «فَتَبَّهٔ أَمْثُوا يَرِيَهُمْ» (کهف/۱۳) یک جوانمردانی هستند که به پروردگارشان ایمان دارند و نمی خواهند این مسیر بت پرستی و شیطنیت و فرهنگ بت پرستی، بر جهان حاکم باشد. به همین خاطر در چند مرحله باید عمل بکنند: یکی إعراض است و یکی هم پناه بردن به کهف است. خدای متعال خطاب به پیامبر می فرماید: ما برای امت شما هم همین مسیر را قراردادیم.

سیدالشهداء (ع) و عاشورای حضرت، آن پناهگاه و جریان و کهفی است که همه موحدین عالم وقتی نمی خواهند تسلیم دستگاه شیطنیت و دنیاپرستی و فرعون ها بشوند، باید به آن پناه ببرند و این پناهگاه است که حتماً آنها را به مقصد می رساند

وی ادامه می دهد: در این میان یک مسیر تفرعنی حاکم می شود و کار دست به دست می شود، به دست بنی امیه و بنی عباس و دیگران و امپراطوری عثمانی می افتد و بعد هم همین جریانی که شما مسلط بر جهان است؛ اما در مقابل این جریان مسلط، جوانمردانی هستند که برمی خیزند؛ اما اینها نیاز به یک پناهگاهی دارند؛ سیدالشهداء (ع) و عاشورای حضرت، آن پناهگاه و جریان و کهفی است که همه موحدین عالم وقتی نمی خواهند تسلیم دستگاه شیطنیت و دنیاپرستی و فرعون ها بشوند، باید به آن پناه ببرند و این پناهگاه است که حتماً آنها را به مقصد می رساند. اصحاب کهف وقتی وارد کهف شدند، سیصد سال در آرامش بودند؛ اما داستان سیدالشهداء، داستان دیگری است و خیلی عجیب تر از آن است. کهفی است که آنهایی را که به آن کهف پناه ببرند، تا عصر ظهور و رجعت می برد. داستان سیدالشهداء، داستان کهف امت است و در مقابل جریان بت پرستی، در مقابل جریانی که یک فرهنگ مادی را می خواهد بر جهان حاکم کند؛ حضرت، پناهگاه آنهایی هستند که نمی خواهند زیر چتر شیطان باشند. حضرت، آنها را در پناه خودش حفظ می کند تا به عصر ظهور برساند. نتیجه ورود به این پناهگاه هم به تعبیر قرآن، رسیدن به رحمت و رشد و رفق و معیشت عمران است. همه اینها در پناه بردن به این کهف است؛ البته دو دوران دارد: یک دوران به حسب ظاهر، دوران «هَدَنَهُ» یعنی دوران تقیه و دوران غلبه دولت باطل است. یک دوران هم دارد که این کهف، عالم را به عصر ظهور می رساند. سیدالشهداء، عالم را تا عصر ظهور و رجعت و قیامت که ایام الله هستند و دوران غلبه است، سیر می دهد. از یک منظر بالاتر اگر نگاه بکنید، داستان سیدالشهداء داستان پناهگاه شدن برای همه موحدین عالم از اول تا آخر است، برای اینکه بتوانند از این عالم سالم عبور بکنند.

وی می گوید: بساط شیطنیت، بت پرستی، شرک یک بساط بسیار سنگینی است که همه را به همین دنیا دعوت می کند و نظام درست می کند و فرهنگی را تثبیت می کند و سعی می کند همه زوایای زندگی بشر را بپوشاند و مدل زندگی شان، شیوه حیات شان، درک شان از زندگی را تغییر بدهد. در مقابل خدای متعال یک پناهگاه تاریخی قرار داده که وجود مقدس سیدالشهداء و فرهنگ عاشورا است. از درون فرهنگ عاشورا، هم إعراض و رویگردانی از دستگاه باطل، هم مقاومت و درگیری و هم عصر ظهور و سازندگی و ایجاد یک جامعه دینی و حیات طویه بیرون می آید. همه اینها، ثمره کار سیدالشهداء (ع) است.